

مضمون‌ها و ویژگی‌های متل‌های لری

فیروز آزادی^۱

حمیدرضا رحمتی^۲

چکیده

متل‌های لری، مضمون‌های مختلفی را در خود جای داده است که برخی از آنها همچون بسیاری از متل‌های مناطق دیگر فقط برای سرگرمی و خوشایند کودکان و آهنگ‌دانشین آنها بیان می‌شوند، اما اغلب، متل‌ها آمیزه‌ای از مطالب آموزنده اخلاقی و سرگرمی هستند. قهرمانان متل‌های لری بیشتر حیوانات هستند، اما گاه انسان‌ها، نباتات و حتی اشیا به نقش‌آفرینی در این متل‌ها می‌پردازند. متل‌های لری علاوه بر نقش زبان‌آموزی از طریق تکرار و کلام آهنگین، مطالبی چون معرفی مشاغل و حرفه‌ها، آموزش راه و رسم زندگی، نشان دادن رابطه میان اشیا و عناصر طبیعت و تمثیل‌های اخلاقی را نیز در خود جای داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: متل، متل‌های لری، قهرمانان متل، مضمون در متل، وزن در

متل

azadif196@gmail.com

rahmati.1384@gmail.com

۱. دکترای تاریخ اسلام از دانشگاه اصفهان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی در دانشگاه گیلان

مقدمه

متل‌ها بخشی از ادبیات عامه و ادبیات عامه یکی از شاخه‌های مهم فرهنگ عامه است. هر چند اغلب کودکان امروز ایران با این واژه آشنایی عمیقی ندارند و شاید آن را در تکرار شعرواره «اتل متل توتوله» شنیده‌اند، اما متل، واژه‌ای است که اغلب کودکان دیروز و میانسالان امروز ایران با آن آشنایی کامل دارند. متل، گنجینه‌ای است که سوای مضمون‌های به ظاهر ساده آن، کاربردهای مهمی در زندگی مخاطبان خود ایفا کرده است و می‌تواند با ارائه هنرمندانه در قالب فیلم‌ها و نمایش‌های جذاب، نقش پیشین خود را باز به انجام برساند.

هر چند در فرهنگ و ادبیات عامه، متل اغلب به اشعار کودکانه‌ای اطلاق می‌شود که گاه دچار آشفتگی موضوعی و درونمایه‌ای است، این اصطلاح در فحوای کلام لرها، علاوه بر این، به قصه‌های کودکانه‌ی مشهور نیز اطلاق می‌شود. در متل‌های لری، اشیا و حیوانات و محیط جغرافیایی لرستان انعکاس می‌یابد و در کنار انعکاس عناصر طبیعی، گاه درس‌های زندگی نیز به مخاطبان داده می‌شود. جالب اینجاست که با وجود چهار گویش اصلی در لرستان، یعنی لکی، بختیاری، لری و بروجردی، اغلب متل‌ها با گویشی ساده و نزدیک به زبان فارسی و با تلفیقی از واژگان محلی روایت می‌شوند، این در حالی است که در بیان دیگر وجوه ادبیات عامه، یعنی زبانزدها و ضرب‌المثل‌ها، افسانه‌ها و قصه‌ها، و مورها (مویه‌ها)، پایه اصلی در روایت، گویش منطقه مورد نظر است.

متل‌های لری علاوه بر نزدیکی زبانی با متل‌های مناطق مرکزی ایران، از شباهت معنایی و ساختاری نیز برخوردارند. به طوری که با انجام تغییراتی

اندک در این متل‌ها، می‌توان اغلب آنها را به متل‌هایی قابل فهم برای اغلب کودکان دیگر مناطق تبدیل کرد.

در این مقاله، ضمن ارائه برخی متل‌های لری، مضمون‌های آنها بررسی و ویژگی‌های این متل‌ها دسته‌بندی شده است.

مفهوم متل در لرستان

در لرستان مراد از متل، حرف بیهوده و مهمل است. وقتی کسی خرافاتی می‌کند یا سخن بیهوده و پوچی بر زبان می‌راند که خارج از حوصله شنونده آن است، در اصطلاح می‌گویند: «فلانی دارد متل می‌گوید» یا به او می‌گویند: «متل می‌گویی؟» در این مواقع متل در مفهومی غیر از مفهوم ادبی آن به کار می‌رود و نقطه مقابل سخن نغز محسوب می‌شود. اتفاقاً این تلقی از متل با تعریف آن در فرهنگ‌های ادبی، قرابت خاصی دارد، زیرا در این دیدگاه بسیاری از متل‌ها فاقد بار معنایی خاصی هستند و بیشتر بر خوش‌آهنگی آنها از نگاه کودک تأکید شده است. متل در مفهوم ادبی آن به اشعار آهنگین و قصه‌های کوتاه عامیانه کودکانه و منظوم اطلاق می‌شود. این واژه در دو فرهنگ لری و لکی به صورت مشابه تعریف شده است. فرهنگ لری متل را قصه و افسانه (ایزدپناه، ۱۳۶۳:۱۳۳) تعریف کرده و این در حالی است که فرهنگ لکی (همان: ۱۲۵) نیز دقیقاً همین معادل را در تعریف از متل ارائه داده است. اما با مقایسه مفهوم متل در فرهنگ‌های دیگر، نقاط اشتراک و افتراق تعریف فوق با مفهوم اصلی آن بیشتر روشن می‌شود.

دهخدا ذیل کلمه متل چنین نوشته است: قصه‌های کوچک خوش‌آیند و حکایت‌های خرافی، داستان‌های غیر واقعی که بیشتر قهرمان‌های آن جانوران، دیوان و پریان هستند و برای سرگرمی و خوش‌آیند کودکان گفته یا نوشته شود

۱۱۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

(دهخدا، ۱۳۷۷:۲۰۲۱۳). شاهد مثال علامه دهخدا^۱ به همان مفهومی اشاره دارد که عامه لرها از آن سود می‌جویند (حرف مهمل). تعریفی نیز که در کتاب «متل‌ها و افسانه‌های ایرانی» (وکیلان، ۱۳۷۸:۹) از متل ارائه شده عبارت است از: «متل داستان کوتاهی است که با مضامین لطیف و سرگرم‌کننده، گاه به صورت شعر و زمانی با نثری موزون برای کودکان و نوجوانان خوانده می‌شود. شخصیت متل‌ها بیشتر حیوانات و مظاهر طبیعت و در برخی موارد انسان است. متل‌ها ضمن سرگرم ساختن کودک، دارای مضامین تربیتی و اجتماعی هستند. کودک با شنیدن متل با طبیعت اطراف خویش انس می‌گیرد و از همان ابتدا با سرزمین مادری و آیین و عرف محیط خویش آشنا می‌شود.

فرهنگ اصطلاحات ادبی در زبان انگلیسی از اصطلاح nursery rhymes برای مفهوم متل استفاده کرده است. در این فرهنگ، متل معادل اشعار مخصوص کودکان به کار رفته و چنین تعریفی برای آن آمده است: «اشعار اغلب مهمل و ساده‌ای که مادران برای کودکانشان می‌خوانند و بخشی از اشعار شفاهی که بیشتر آنها قدیمی است. یکی از مشهورترین آنها رینگ - اِ - رینگ - روزس^۲ است که به مصیبتی که در قرن شانزدهم اروپا را دربرگرفت، اشاره دارد: گل‌های سرخ (لکه‌ها) و عطسه کردن، نشانه‌های آن بیماری هولناک بودند. (گری، ۱۳۸۲:۲۲۶)

مضمون متل‌های لری

از قدیمی‌ترین و معروف‌ترین متل‌های لری می‌توان به متل «افتو افتو» (aftow ° aftow) اشاره کرد. در این شعر منظوم کودکانه که با گویش لری

۱. لیک پیش اهل حل و عقد عصر ما کنون / جمله تحقیقاتشان افسانه گردید و متل

2. ring- a ° ring ° o- roses

مضمون‌ها و ویژگی‌های متل‌های لری ❖ ۱۱۷

خرم‌آبادی خوانده می‌شود، تصویری از سرزدن آفتاب، با کلامی کودکانه و موزون نقاشی می‌شود؛ تصویری از آفتابی که وقتی می‌تابد، همه جا گلستان می‌شود و البته این تصویر زیبا به این دلیل که برای پیرزن سبب غصه شده است، نکوهش می‌شود:

aftow aftow golesu افتو افتو گلسو

ای آفتاب ای آفتاب که با تابیدن همه جا گلستان می‌شود.

sâya baze qabresu سایه بزه قبرسو

سایه‌ات به قبرستان برود

gu tene gorva borda گوشته گروه برده

گوشت‌ها را گربه برده است

dâyâ a qosa morda دایا ا غصه مرده

پیرزن از غصه مرده است (حنیف، ۱۳۷۵: ۱۴۳)

متل «اتل متل توتوله» نیز از چنین مضمونی برخوردار است. این متل نیز در لرستان رواج دارد و کودکان معمولاً چنین می‌خوانند: اتل متل توتوله، گاو حسن چه جوهره و الی آخر که به نظر می‌رسد این متل از زبان فارسی به دنیای کودکان لر راه یافته است.

متل «یه ملیچه‌ای داشتم» از دیگر اشعار کودکانه لری است که با گویش بروجردی خوانده می‌شود. در این متل نیز هر چند ابتدا قصه‌ای روایت می‌شود، اما این قصه در ابیات پایانی به گونه‌ای ختم می‌شود که بیشتر جنبه سرگرم‌کنندگی دارد.

ye mali ei dâ tem یه ملیچه‌ای داشتم

یک گنجشکی داشتم

❖ ۱۱۸ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

xu xu niy ^۹ d ^۹ tem	خو خو نیاش داشتم
	خوب نگهش می داشتم
gorva âmâ borde	گروه آما بردش
	گربه آمد و آن را برد
oteli ne eso xorde	چتلی نشس خوردش
	چمباته نشست و خوردش
xine rextes de ɸa	خینش رختس د چاله
	خونش در گودال ریخته شد
ɸa ve ma giyâ dâ	چاله و مه گیا دا
	گودال به من گیاه داد
giyâne dâm bozqâla	گیانه دام بزغاله

گیاه را به بزغاله دادم ۴ (همان: ۱۴۲)

در این متل، با زبان ساده و در قالب اشعاری خوش آهنگ ارتباط میان اشیا و حیوانات شرح داده می شود. راوی می گوید که گنجشکی داشته است که گربه آن را برده و خورده است، خون گنجشک در گودالی ریخته و گیاهی از آن رویده می شود. در اینجا تلمیحی به داستان سیاوش زده می شود؛ فردوسی در داستان سیاوش، روایت می کند که پس از آنکه افراسیاب به تحریک ناموران توران و از جمله گرسیوز، خون سیاوش را ریخت، به ساعتی بعد، از آن گیاهی روید که آن را «خون سیاوشان» یا «دم الاخوین» می نامند. (یاحق،

(۴۹۷:۱۳۸۶)

به ساعت گیاهی از آن خون برست	جز ایزد که داند که او چون برست
گیا را دهم من کنونت نشان	که خوانی همی خون سیاوشان

بسی فایده خلق را هست ازو که هست آن گیا اصلش از خون او

این گونه است که یک متل ساده کودکانه می‌تواند ذهن را برای پذیرش داستانی بزرگ آماده کند؛ از خون گنجشک بی‌گناه، گیاهی می‌روید که این گیاه در نهایت به حیات و زادن هفت پسر می‌انجامد. در این میان، ارتباط انسان با طبقه باسواد و ارتباط وی با آفریدگار هستی نیز روایت می‌شود و در نهایت بسان برخی متل‌ها، این متل نیز از انسجام معنایی فاصله گرفته و با هدف سرگرم‌کنندگی شکل آهنگین آن حفظ شده است. این امر در متل دیگری به نام «متل کوسه» با گویش روستاییان شمال بروجرد، به چشم می‌خورد:

matali bi, matali neyi	متلی بی، متلی نئی
	متلی بود، متلی نبود
hâl o ahvâl, kusa bi	حال و احوال، کوسه بی
	حال و احوال کوسه بود
kusa mord, kafan neyi	کوسه مرد، کفن نئی
	کوسه مرد، کفن نبود
kafan ve dase gorva bi	کفن و دس گروه بی
	کفن در دست گربه بود
gorva got mau mau	گروه گت: مئو مئو
	گربه گفت: مئو مئو
ir got: arxa au	شیر گت: چرخه چئو
	شیر گفت: چی بود چی شد؟
xers omâ ve tamâ â	خرس اما و تماشا
	خرس آمد به تماشا

lenge sores oftâ de ۹	لنگش سرس، افتاد چا
	پایش سر خورد و به داخل چاه افتاد
eftâ o denune e kes	افتا و دنونش اشکس
	افتاد و دندانش شکست
p ^۹ hard ve bard, sare e kes	پاش هرد و برد، سرش اشکس
	پایش به سنگ خورد، سرش شکست
nenâ mi dâyerâ meza	ننه میش، دایره مزه
	موش مادر دایره ^۱ می زد
ba a mi aquna meza	بچه میش، چغونه مزه
	بچه موش از شادی بشکن می زد
bua mi joftak meza	بوئه میش جفتک مزه
	موش پدر از خوشحالی جفتک می زد
boziyâ giyâ meharden	بزیا گیا مهردن
	بزها علف می خوردند
beiyâ ir meharden	به ایا شیر مهردن
	بزغاله ها شیر می خوردند
didima didima didima	دیدیمه، دیدیمه، دیدیمه

بزغاله، بزغاله، بزغاله (کرزبیریار احمدی، ۱۳۸۸: ۱۸۴)

بیان عبارت «دیدیمه» به معنای بزغاله، معمولاً به صورت کشیدن «مه» و همراه با درآوردن صدای بزغاله است. از این رو چنین متلی، سوای مضمون جالبش، برای کودکان خردسال بسیار خوشایند است و دیده شده است که

۱. نوعی وسیله موسیقی شبیه طبل و تنبک

مضمون‌ها و ویژگی‌های متل‌های لری ❖ ۱۲۱

کودکان بعد از شنیدن این متل، تنها به خاطر گوش دادن دوباره به صدای بزغاله، خواستار شنیدن دوباره آن شده‌اند. در متل بالا نیز نام چند حیوان در کنار هم و بدون ارتباط منطقی میان آنها در کلام موزون گنجانده شده است. به نظر می‌رسد که این متل با استفاده از تصویرسازی‌های هنرمندانه و سوای جنبه‌های سرگرم‌کنندگی آن، قدرت تخیل کودک را تقویت می‌کند. متل «نسو» (nasu) (خاله سوسکه) نیز دارای چنین ویژگی است. در این متل، خواستگاران خاله نسو، با بیان این شعر به خواستگاری می‌روند: «خاله نسو، چادر قصور، موزه به پا، خش خش گُنک، پش پش گُنک، زن من می‌شی؟»

در این میان یکی از خواستگاران پرو پا قرص خاله سوسکه یا همان نسو، آقا موشه است. نسو به همه خواستگاران و از جمله به آقا موشه جواب رد می‌دهد، با این حال آقا موشه، ناامید نمی‌شود. روزی به آقا موشه پیغام می‌دهند که چه نشسته‌ای که خاله نسو افتاده است در جای پای الاغ و اگر به دادش نرسی، هر لحظه ممکن است که غرق شود بمیرد و البته دادن این پیغام هم با شعر انجام می‌شود: «آقا موشه، دُم دروشه، سوزن و سنجاق فروشه، خاله نسو افتاده در آب و گِل، گیسش خیس شده، برو درآرش»

آقا موشه خودش را بالای سر نسو می‌رساند و به او می‌گوید: خاله نسو دستت را بده به من!

خاله نسو جواب می‌دهد: دست من لطیف است، اگر تو آن را بکشی، کنده می‌شود.

آقا موشه می‌گوید: پایت را بده به من! خاله نسو جواب می‌دهد: پای من نازک و ترد است، کنده می‌شود.

آقا موشه می‌گوید: موهایت را بده به من!

خاله نسو جواب می‌دهد: موهایم را تازه شسته‌ام با دست تو کثیف می‌شوند.

آقا موشه هم با شنیدن این حرف ناراحت می‌شود و با پا می‌زند خاله‌سوسکه را می‌اندازد توی آب و خودش راه می‌افتد و به زندگی‌اش ادامه می‌دهد. مثل فوق، علاوه بر خاصیت سرگرم‌کنندگی، دربرگیرنده دو نکته نیز هست؛ یکی ارائه این پیام به کودک بی‌تجربه که در زندگی باید برای انتخاب درست تناسب را هم در نظر بگیرد و دوم آنکه، غرور بیجا، کارها را با دشواری همراه می‌کند. ممکن است کودک در ذهن خود علت نجات نیافتن خاله نسو را تحلیل کند و به این نتیجه برسد که جز از طریق برخورد منطقی و احترام متقابل نمی‌تواند در زندگی به خواسته‌هایش برسد و بیاموزد که غرور بیجا می‌تواند سرنوشت انسان را به مخاطره بیندازد.

در روایت دیگری از این مثل این گونه می‌خوانیم:

xâla nasar nasar

خاله نسر نسر

خاله سوسکه، خاله سوسکه

đor ve sar

چادر و سر

چادر به سر

kow noke pâ zane pâde ۹

کوش نوک پا زن پادشا

ای که کفش‌هایت را نوک پایت انداخته‌ای و لیاقت همسری پادشاه را داری

âqor ve xeyr

آغور و خیر؟

به سلامتی عازم کجا هستی؟

mâxâm barem be hamedu

ماخام برم به همدو

می‌خواهم به همدان سفر کنم

iyar konem âmu ramezu	شی‌یر کنم عامو رمضو
	به عمو رمضان شوهر کنم
qeylune isa baka em	قیلون شیشه بکشم
	قلیان شیشه بکشم
menate hi ka naka em	منت هیشکه نکشم
	منت هیچ کس را نکشم

در ادامه این متل، افراد مختلفی همچون قصاب و صاحبان مشاغل دیگر به خواستگاری خاله نسر می‌روند و خاله نسر از آنها می‌پرسد که در صورت دعوا با چه چیزی او را تنبیه می‌کنند و آنها پاسخ‌هایی می‌دهند که باب میل خاله نسر نیست. در این میان تنها آقا موشه است که پاسخش به دل خاله نسر می‌نشیند و به خواستگاری او پاسخ مثبت می‌دهد. آقا موشه می‌گوید در صورت دعوا، خاله نسر را با دم نرم و گرمش می‌زند و در واقع او را نوازش می‌کند. این مضمون ضمن ایجاد سرگرمی برای کودک، به او عشق ورزیدن و مهربانی و لطافت را یاد می‌دهد.

«رنگ و رنگ و رنگ» (reng o reng o reng) عنوان متل دیگری است که

با گویش بروجردی خوانده می‌شود:

raftem ve sarâ	رنگ و رنگ و رنگ	رغتم و صرا
		به صحرا رفتم
xâri raf de pâm	رنگ و رنگ و رنگ	خاری رف د پام
		در آنجا خاری به پایم رفت
xâre dâm ve nu	رنگ و رنگ و رنگ	خار دام و نو
		خار را با نانی عوض کردم

nune dâm mollâ	نون دام ملا رنگ و رنگ و رنگ	نان را به ملا دادم
mollâ dâ ketâb	ملا دا کتاب رنگ و رنگ و رنگ	ملا به من کتاب داد (حنیف، ۱۳۸۹: ۱۵۷)
<p>به نظر می‌رسد که این مثل ناقص، بخشی تحریف شده از مثل پیش گفته «یه ملیچه‌ای داشتم» باشد و «رنگ و رنگ و رنگ» تنها اصواتی خوشایند هستند که برای آهنگ دادن بیشتر به کلام قصه‌گو به مثل اضافه شده‌اند.</p> <p>برخی مثل‌ها بر چند اصل استوارند: آهنگ، سرگرمی، ارائه تصاویر زیبا و کودکانه و نشان دادن ارتباط میان اشیا، نباتات و حیوانات. از جمله چنین مثل‌هایی می‌توان به مثل «علی رته و بیشه» که به گویش روستاییان جنوب بروجرد خوانده می‌شود، اشاره کرد:</p>		
ali rata ve bi a	علی رته و بیشه	علی به بیشه رفته است
boriya tal ve ti a	بریه تل و تیشه	چوب را با تیشه بریده است
osi zire halisa	اسی زیر حلیسه	برای گذاشتن در زیر حلیم نذری
halisa nima poxta	حلیسه نیمه پخته	حلیم نیمه‌پخت است
dasa hosira soxta	دس حسیره سخته	دست مادرزن را سوزانده است
hosira nâla kerda	حسیره ناله کرده	مادرزن ناله کرده است

مضمون‌ها و ویژگی‌های متل‌های لری ❖ ۱۲۵

ow de piyâla kerda	او د پیاله کرده
	آب را در کاسه کرده است
am ir havâla kerda	شمشیر حواله کرده
	شمشیر را حواله کرده است
dâdâ vori mâr omâ	دادا وری مار اما
	پیرزن از جای بلند شو که مار آمد
mâre zangoladâr omâ	مار زنگوله‌دار اما
	مار زنگوله‌دار آمد
vâ âte e qeylu omâ	وا آتش قیلو اما
	با آتش قلیان آمد
vâ sefreye nu omâ	وا سفره نو اما
	با یک سفره نان آمد
ali omâ kuzem kuzem	علی اما کوزم کوزم
	علی قوز کرده و خمیده‌قامت از راه رسید
de kule bâri hizem	د کولش باری هیزم
	روی شان‌اش باری هیزم قرار دارد
hizem ue sandale	هیزم چوئه صندله
	هیزم از چوب صندل است
si ta e mine manqala	سی تشه مین منقله
	برای استفاده در آتش منقل است
hizeme bordem si upu	هیزم بردم سی چوپو
	هیزم برای چوپان بردم

upu vane de tanir	چوپو ونش د تنیر
	چوپان هیزم را در تنور انداخت
da vem qâlevi panir	د وم قالوی پنیر
	به من قالبی پنیر داد
panir bordem si mollâ	پنیره بردم سی ملاً
	پنیر را برای ملا (فرد با سواد) بردم
mollâ ve ma daftar dâ	ملاً و مه دفتر دا
	ملاً به من دفتر داد
daftar sade si varaq	دفتر صد سی ورق
	دفتر یک صد و سی ورق
neve tem de nume haq	نوشتم دش نوم حق
	در آن نام الله را نوشتم
haq hami a yare tu	حق همیشه یار تو
	الله همیشه یار شما باشد
xodâ negahdâre tu	خدا نگهدار تو

خدا نگهدارتان باشد (کرزبر یاراحمدی، ۱۳۸۸: ۱۸۷)
 متل بالا از نظر مضمون، شبیه متل «ملیچه و یخ» (همان: ۱۹۱) است.
 مضمون این متل که با گویش‌های مختلف لرستان روایت شده، چنین است:
 روزی از روزهای زمستان، گنجشکی سر یخی می‌نشیند و تکه یخ زیر دمش
 می‌شکند، گنجشک رو به یخ می‌کند و از او می‌پرسد: ای یخ! ای یخ! چرا این
 همه زور داری؟

یخ هم پاسخ می‌دهد: اگر من زور داشتم، آفتاب مرا آب نمی‌کرد.

مضمون‌ها و ویژگی‌های متل‌های لری ❖ ۱۲۷

این بار گنجشک نزد آفتاب می‌رود و از او می‌پرسد: ای آفتاب چرا این همه زور داری؟

آفتاب هم در پاسخ گنجشک می‌گوید: اگر من زور داشتم، ابر جلوی تابشم را نمی‌گرفت.

گنجشک نزد ابر می‌رود و از ابر می‌پرسد: ای ابر! ای ابر! چرا این همه زور داری؟

ابر پاسخ می‌دهد: اگر زور داشتم، باد مرا پراکنده نمی‌کرد.

گنجشک خود را نزد باد می‌رساند و از باد می‌پرسد: ای باد! ای باد! تو چرا این همه زور داری؟

باد هم پاسخ می‌دهد: اگر من زور داشتم کوه جلوی مرا نمی‌گرفت.

گنجشک این بار نزد کوه می‌رود و از او می‌پرسد: ای کوه! ای کوه! تو چرا این همه زور داری؟

کوه هم پاسخ می‌دهد: اگر من زور داشتم که علف رویم سبز نمی‌شد.

گنجشک از علف‌هایی که روی کوه روییده بودند، می‌پرسد: ای علف! ای علف! تو چرا این همه زور داری؟

علف پاسخ می‌دهد: اگر من زور داشتم، بز مرا نمی‌خورد.

گنجشک این بار از بز می‌پرسد: ای بز! ای بز! چرا این همه زور داری؟

بز جواب می‌دهد: اگر من زور داشتم، گرگ مرا نمی‌خورد.

گنجشک، خودش را نزد گرگ می‌رساند و از او می‌پرسد: ای گرگ! ای گرگ!، چرا این همه زور داری؟

گرگ هم جواب می‌دهد: اگر من زور داشتم، سگ دنبالم نمی‌کرد.

گنجشک این بار خودش را نزد سگ می‌رساند و از او می‌پرسد: ای سگ! ای سگ! چرا این همه زور داری؟

سگ جواب می‌دهد: اگر من زور داشتم که جایم پای دیوار نبود.
گنجشک نزد دیوار می‌رود و از دیوار می‌پرسد: ای دیوار! ای دیوار! تو چرا
این همه زور داری؟

دیوار پاسخ می‌دهد: اگر من زور داشتم که موش سوراخ نمی‌کرد.
گنجشک نزد موش می‌رود و از او می‌پرسد: ای موش! ای موش! چرا این
همه زور داری؟

موش هم جواب می‌دهد: اگر من زور داشتم که گربه مرا دنبال نمی‌کرد.
گنجشک نزد گربه می‌رود و از او می‌پرسد: ای گربه! ای گربه! چرا این
همه زور داری؟

گربه جواب می‌دهد: «زور دارم و زور بچه، می‌یارم سالی هفت بچه.»
(همان: ۱۹۱)

شیرینی شنیدن این متل را مادران با تکرار اسامی اشیاء، حیوانات و
جمادات و همچنین با کشیدن صدا، به هنگام بیان واژه «زور» دو چندان
می‌کنند. این متل آهنگین است و به گویش‌های مختلف استان لرستان بیان
می‌شود. مضمون این متل ضمن سرگرمی و تقویت قوه خیال کودک ارتباط
میان اجزای طبیعت را به کودک می‌آموزد. همچنین نقاط قوت، کارکردها و
نقاط ضعف حیوانات، گیاهان و اشیا در قالب قصه بیان می‌شوند و کودک با
دنیای پیرامون خود بیشتر آشنا می‌کند.
متل «ملیچه اشی مشی» از متل‌های معروفی است که کمابیش با تغییراتی در
دیگر نقاط ایران نیز روایت می‌شود، این متل که در بروجرد ضبط شده، از این
قرار است:

mali æ i me i

ملیچه اشی مشی

گنجشک اشی مشی

مضمون‌ها و ویژگی‌های متل‌های لری ❖ ۱۲۹

loe bunem nani i	لو بونم نیشی
	روی بام ما ننشینی
bâru miyâ tar me i	بارو می یا تر مشی
	بارون می یاد خیس می‌شی
barf miyâ gonela me i	برف می یا گنله مشی
	برف می یاد گوله می‌شی
mefti de howze naq ^۹ i	مفتی د حوض نقاشی
	می‌فتی داخل حوض نقاشی
dermiyây me i far ^۹ b ^۹ i	درمی‌یای مشی فراش باشی
	بیرون می‌آیی و فراش باشی می‌شوی
moie nena nena ma ^۹ mâxâm	مویی ننه ننه مه آش ماخوام
	می‌گی مادر مادر من آش می‌خوام
^۹ o mag ^۹ mâxâm	آش و مقاش ماخوام
	آش و انبر می‌خوام
zane qezelb ^۹ mâxâm	زن قزلباش ماخوام
	زن قزلباش می‌خوام
	برو سر حوض توتیا سرت بشور و زی بیا
baro sare howze tutiyâ sarete ba ur o zi biyâ	برو به حوض توتیا سرت را بشور و زود بیا

از دیگر متل‌های لری می‌توان به متل «گنجشک و غوزه» (خسروی، بروجرد، ۱۳۹۲) اشاره کرد. در این متل، گنجشکی خیالباف از دسته

گنجشک‌ها جدا می‌شود و می‌رود سر خاکروبه‌ای و غوزه‌ای پنبه پیدا می‌کند و آن را نزد عمو غوزه‌درآر می‌برد و به او می‌گوید:
عمو غوزه‌درآر این را درآر، اون را درآر
نصفه‌اش ز من، نصفه‌اش ز تو
پولش ز من، کارش ز تو



عمو غوزه‌درآر کارش را انجام می‌دهد، ولی وقتی کارش تمام می‌شود، گنجشک پنبه‌های آماده شده را برمی‌دارد و بدون دادن دستمزد به عمو غوزه‌درآر پرواز می‌کند و می‌رود. آن گاه گنجشک پیش عمو لوکوا^۱ می‌رود و به او می‌گوید:
عمو لوکوا این را بلوک، اون را بلوک
نصفه‌اش ز من، نصفه‌اش ز تو
پولش ز من، کارش ز تو

۱. کسی که پنبه‌ها را تمیز می‌کند.

گنجشک همینطور از عمو لوکو نیز کار می‌کشد و بدون دادن دستمزدی به او پرواز می‌کند و می‌رود. این پرنده دروغگو آن گاه نزد حلاج می‌رود و با بیان همان ابیات از او می‌خواهد تا پنبه‌هایش را وا بزند و تمیز کند. سپس نزد پیرزن نخ‌ریس می‌رود و با بیان همان ابیات از او می‌خواهد تا پنبه‌های آماده را برایش نخ کند و وقتی سر پیرزن را نیز کلاه می‌گذارد، به سراغ پیرمرد رنگرز می‌رود و او را نیز گول می‌زند و پس از آن نزد خیاط می‌رود و از او نیز می‌خواهد تا قبای زیبایی برایش بدوزد. قبا که آماده می‌شود، گنجشک بدون پرداختن دستمزد خیاط، پر می‌زند و در حالی که قبا را پوشیده است، سر بام پسر پادشاه می‌رود و قبای خودش را به رخ پسر پادشاه می‌کشد. گنجشک بعد از آن، هر روز بالای قصر پسر پادشاه می‌رود و به او می‌گوید: پسر پادشاه غصه بخور که من قبای جی‌جی‌جی می‌دارم^۱ تو نداری.

گنجشک این کار را چند روز تکرار می‌کند تا بالاخره پسر پادشاه حوصله‌اش از دست گنجشک سر می‌رود و دستور می‌دهد تا روی پشت بام قیر بریزند و این طور گنجشک را دستگیر می‌کند و قبایش را برمی‌دارد. گنجشک هم می‌گوید: یا قبایم را بدهید یا این ور می‌پریم و اون ور می‌پریم و نان‌هایتان را می‌برم. *دانشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
کسی به حرف گنجشک گوش نمی‌دهد، تا اینکه گنجشک دسته نان‌ها را برمی‌دارد و می‌پرد و نزد چوپانان می‌رود. این بار چوپانان او را گول می‌زنند و نان‌هایش را می‌خورند. اما گنجشک به تلافی این کار، قوچ سر گله چوپانان را می‌برد و آن را هم در راه، به دسته‌ای از مردم که عروسی را به خانه داماد می‌برند، می‌دهد، ولی آنها در عوض چیزی به او نمی‌دهند. او هم در عوض

۱. رنگارنگ

۱۳۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

عروس را می‌دزدد، داماد حاضر می‌شود که ساز و دهل را بدهد و عروسش را پس بگیرد. در اینجاست که گنجشک خودش را سر تپه‌ای می‌رساند و در حالی که ساز و دهل می‌زند، یک یک چیزهایی را که از دست داده است، می‌خواند و در پی آن دهلش را به صدا درمی‌آورد:

قبا جی جی می‌جی مه کجا رفت درنگ درنگ گ گ گ گ^۱
دسته نان تازه‌ام کجا رفت درنگ درنگ گ گ گ گ

و این طور در قالب یک متل جذاب به کودکی که مخاطب قرار گرفته است، چند نکته یاد داده می‌شود؛ نخست ارتباط میان اشیاء و روند تولید؛ برای مثال روند تولید لباس از غوزه پنبه تا تبدیل شدن به پارچه نشان داده می‌شود. از سویی به کودک گفته می‌شود که دست بالای دست زیاد است و اینکه به او گوشزد می‌شود که عاقبت کارهای خلاف و خوردن مال مردم، شکست و جدا شدن از انسان‌های دیگر است. بیان آهنگین و تکرار، ویژگی دیگر این متل است. کودکی که چند بار واژه‌ای مثل عمو لوکو را بشنود، هیچ‌گاه آن را فراموش نمی‌کند و بالاخره اینکه این همه در قالب تصاویر تخیلی انجام می‌گیرد؛ گنجشکی که می‌تواند حرف بزند یا قوچی قوی را از زمین بلند کند، همه به معنای راه یافتن راوی به دنیای ذهنی کودک است.

ویژگی‌های متل‌های لری

اغلب متل‌های لری حاوی ویژگی‌های خاص منطقه، اسامی افراد و اماکن مخصوص هستند و در حقیقت هر یک پشتوانه‌ای برای گویش‌های متفاوت لرستان به شمار می‌روند. قهرمان متل‌های لری به حیوانات محدود نمی‌شوند، بلکه اشیاء، نباتات و انسان‌ها را نیز دربرمی‌گیرند. با این حال حیوانات مورد

۱. به معنی طنین دهل

مضمون‌ها و ویژگی‌های متل‌های لری ❖ ۱۳۳

علاقه کودکان در این متل‌ها، همان‌طور که حنیف در پژوهشی با عنوان متل‌های لری (حنیف، ۱۳۷۵: ۵) می‌گوید، از جایگاه خاصی برخوردارند و در این میان گنجشک، سوسک، گرگ و روباه بیشتر از هر حیوان دیگری مورد توجه قرار گرفته است. گنجشک، قهرمان متل‌های «به ملیچه‌ای داشتم»، «گنجشک و غوزه» و «ملیچه اشی مشی»؛ سوسک، قهرمان متل «خاله سوسکه» و «بی‌بی صدف»؛ و بز و گرگ هم قهرمان‌های متل معروف «سنگول و منگول» هستند. روباه نیز در بسیاری از متل‌ها همچون همیشه، باهوش و زیرک و فریب‌دهنده و گرگ، نادان است. گاه هر یک از این حیوانات به گونه‌ای پر رمز و راز در قالب استعاره و تمثیل پرداخت می‌شوند. در متل «بی‌بی صدف»، سوسک، تنها همدم پیرزن ریسنده می‌شود و در نهایت نیز تغییر ماهیت می‌دهد تا پیرزن را از تنهایی درآورد. در متل خاله سوسکه، سوسک سیاه نازک نارنجی از هویت خود فرار می‌کند، ولی بالاخره می‌پذیرد که بهتر است سوسک باقی بماند.

به طور کلی مضامین متل‌های لری، آموزشی، اخلاقی و تمثیلی هستند و البته گاه بی‌مضمون‌اند. همچنین وزن، قافیه، تکرار و گاه مطابقه در اغلب اشعار عامیانه لری مشهود است. اغلب گفتگوهای این متل‌ها حاوی موسیقی و آهنگ جالب و درخور توجهی‌اند.

xâla nasar nasar	خاله نسر
đor be sar	چادر به سر
kaf noke pâ	کفش نوک پا
zane pâde h	زن پادشاه
oqor be xeyr	اوغور به خیر

ترجیح‌بند «خاله سوسکه» که لطیف و دلنشین است، به بهانه‌های مختلف در طول متل تکرار می‌شود. همچنین متل «یه ملیچه‌ای داشتم» بر وزن مفاعلن فاعلن است.

ye mali eyi d ⁹ tem	مفاعلن فاعلن	یه ملیچه‌ای داشتم
xu xu niy ⁹ d ⁹ tem	مفاعلن فاعلن	خوخو نیاش داشتم
ha teme zire lânji	مفاعلن فاعلن	هشتمش زیر لانجی

یا:

ye mali eyi d ⁹ tem	مفتعلن فاعلن	یه ملیچه‌ای داشتم
xu negare nad ⁹ tem	مفتعلن فاعلن	خو نگرش نداشتم

یا

atal matal matula	مفاعلن فاعلن	اتل متل متوله
gâve hasan katula	مفاعلن فاعلن	گاو حسن کتوله

در این اشعار، قافیه مهم نیست، بلکه وزن نقش اساسی را ایفا می‌کند و کودکان ضرباهنگ این متل‌ها را به خوبی درمی‌یابند. به نظر هدایت در کتاب «فرهنگ عامیانه مردم ایران»، متل‌ها از نظر مضمون، سبک و موسیقی، از دیگر آثار متمایزند، ساختمان فوق‌العاده ساده‌ای دارند، از نظر موسیقی فقط برای آواز یکصدایی به کار می‌روند، وزن آنها مختلف است، برخی از آنها دارای وزن معین و برخی ناقص هستند و بنا به میل خواننده می‌توانند کوتاه و بلند خوانده شوند. (هدایت، ۱۳۸۷: ۲۰۰)

جمع‌بندی

متل‌های لری دارای مضمون‌های مختلفی هستند، برخی از آنها به روابط میان اشیا، حیوانات، نباتات و انسان‌ها می‌پردازند و برخی تلفیقی از روابط

عناصر نامبرده را در خود جای داده‌اند. متل‌های لری، هر چند همچون اغلب متل‌های دیگر مناطق، گاه فقط برای خوشایند و سرگرمی کودکان خوانده می‌شوند، اما گاه درس زندگی نیز به کودکان می‌دهند، علاوه بر این، برخی متل‌ها جنبه آموزشی نیز دارند. متل‌های لری ویژگی‌هایی نظیر ساختمان ساده، آهنگین بودن، استفاده از تکرار، اهمیت ناچیز قافیه و بااهمیت بودن وزن و استفاده از تمثیل در قالب متل، همچنین زبان‌آموزی دارند؛ به گونه‌ای که شیوه تکرار و استفاده هدفمند از واژه‌های مرتبط در متل‌ها، مثل استفاده از غوزه پنبه، پنبه‌زن، نخ‌ریس، خیاط و قبا می‌تواند در ذهن کودک با نظمی منطقی در کنار هم ردیف شود و گنجینه واژگانی کودک را تقویت کند. در مجموع به نظر می‌رسد با نگاهی دوباره به این گونه ادب شفاهی می‌توان آنها را برای اقتباس در قالب نمایش‌ها و پویانمایی کودکان بازنویسی کرد.

منابع

الف) کتاب

۱. ایزدپناه، حمید (۱۳۶۳). فرهنگ لری. چ ۲، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
۲. حنیف، محمد (۱۳۸۹). قصه‌گویی در رادیو و تلویزیون. چ ۲، تهران: سروش.
۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. چ ۲ (دوره جدید)، تهران: مؤسسه دهخدا.
۴. کرزبر یاراحمدی، غلامحسین (۱۳۸۸). فرهنگ مردم بروجرد. به کوشش علی‌آنی‌زاده، تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.
۵. گری، مارتین (۱۳۸۲). فرهنگ اصطلاحات ادبی در زبان انگلیسی. ترجمه منصوره شریف‌زاده. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶. وکیلان، احمد (۱۳۷۸). متل‌ها و افسانه‌های ایرانی. تهران: سروش.
۷. هدایت، صادق (۱۳۸۷). فرهنگ عامیانه مردم ایران. گردآورنده جهانگیر هدایت، تهران: چشمه.
۸. یاحقی، دکتر محمدجعفر (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.

ب) گزارش پژوهشی

۱. حنیف، محمد (۱۳۷۵). متل‌های لری. تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.

ج) مصاحبه

۱. خسروی، زهرا، بروجرد، لرستان، ۱۳۹۲/۵/۲